

راهکارهای ظرفیت‌سازی اندیشکده‌های راهبردی در مدیریت مسائل هویتی ایران

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

غلامحسین مشتاقی‌نیا*

E-mail: ghmoshtaghi70@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

چکیده

امروزه به دلیل پیچیده‌تر شدن مسائل هویتی، حل مسائل مزمن هویتی نظیر شکاف‌های قومی و مذهبی و نیز شکاف‌های گفت‌وگویی، صرفاً با اتکا به ظرفیت دولت‌ها امکان‌پذیر نیست. لذا بهره‌گیری از اندیشکده‌های مطالعاتی و نیز تخصصی راهبردی به رکن اساسی توسعه ظرفیت‌های کنشگران حاکمیتی، در حل مسائل هویتی مبدل شده است. شدت یافتن مداخلات خارجی چندجانبه در منطقه، علیه هویت شیعی، اسلامی، ایرانی و افزایش فشارهای سخت و نرم‌افزاری در حوزه برخی معضلات هویتی، ضرورت ایجاد و توسعه ظرفیت اندیشکده‌های تخصصی را نه تنها جهت مشارکت در حوزه تصمیم‌سازی، بلکه جهت ایفای نقش در حوزه برنامه‌ریزی و اجرا، قوت بخشیده است. امروزه با تکیه به بازیگران و کنشگران دولتی نمی‌توان در حل مسائل پیچیده حوزه هویت ایران، موفق عمل کرد. در این تحقیق بر پایه نشست‌های فشرده و نسبتاً گسترده خبرگی، با استفاده از خبرگان و صاحب‌نظران امر، طرحی برای تولید و توسعه ظرفیت اندیشکده‌های مطالعات راهبردی تخصصی ارائه شده است که در آن الزامات، فرآیندها و الگوی نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری راهبردی بومی در حوزه حل مسائل هویتی ایران به‌منظور نیل به وضعیت مطلوب ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: ایجاد ظرفیت سازمانی، مسائل هویتی، نظام تصمیم‌گیری، اندیشکده.

* دانش‌آموخته دکتری رشته مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، نویسنده‌ی مسؤول



مقدمه و بیان مسأله

جمهوری اسلامی ایران سرزمینی متشکل از اقوام، طوایف و مذاهب مختلف است که زندگی مسالمت‌آمیز و برادرانه‌ای را در قالب یک ملت منسجم و متحد، در اغلب ادوار تاریخی تجربه کرده است. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون شاهد موج‌های متعدد تلاش بیگانگان برای تهاجم به ارکان هویت اسلامی، شیعی، ایرانی و گفتمان ارزش‌های انقلابی و یا تهاجم‌هایی به ارکان هویتی انسجام بخش ملت ایران بوده‌ایم. به دنبال افزایش قدرت و توان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در یک دهه اخیر و تغییرات ژئوپلیتیکی طی چند دهه گذشته در منطقه، هم‌زمان با تشدید جنگ اقتصادی برای فشار به مردم، بسترهای شکاف‌های قومی و مذهبی و گفتمانی نیز عرصه فعالیت و نفوذ بیشتری یافته‌اند. هم‌چنین با ورود پر شدت و کم سابقه بازیگران جدید خارجی نظیر سعودی، ائتلاف حامی داعش، برخی همسایگان شمالی نظیر آذربایجان و نیز ترکیه به عرصه سوءاستفاده از شکاف‌های هویتی در کشور و نیز تشدید فشارهای ناشی از جنگ روانی و جنگ ادراکی (۱) در حوزه گفتمانی انقلاب اسلامی، هم‌راستا با بی سابقه‌ترین جنگ اقتصادی، مدیریت مسائل قومی و مذهبی و شکاف گفتمانی انقلاب اسلامی با تشدید موج‌های باستان‌گرایی ایرانی و نیز سکولاریسم غربی، به‌مراتب پیچیده‌تر از سابق شده است.

دو مقوله سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری راهبردی از ارکان مدیریت مسائل هویتی در جامعه است. دولت‌هایی که با شکاف‌های قومی و مذهبی و شکاف‌های گفتمانی مواجه هستند با مشکلات پیچیده و فزاینده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند و سعی در درک بهتر وضعیت‌های تهدیدآمیز دارند تا این‌که چه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به عمل آورند که انسجام و اتحاد ملی مناسب‌تری ایجاد نمایند. از سوی دیگر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در این حوزه‌ها ضمن این‌که از پیچیدگی جدی برخوردار است؛ اما برنامه‌ریزی، اجماع‌سازی و هماهنگی و هدایت و کنترل و نظارت بر اجرای اثربخش تصمیمات و سیاست‌ها نیز مسأله‌ای است که دولت‌ها به‌تنهایی از ظرفیت کافی و مؤثر در حل این دست مسائل برخوردار نیستند. از راه‌های پرداختن به این مسأله، توسعه قابلیت و ظرفیت اتاق‌های فکر با ایجاد سازوکارها، فرآیندها و توسعه منابع مادی و انسانی کافی است که متشکل از اساتید حوزه نظر و مسئولین مستقر و سابق که دارای دانش ضمنی حاصل از تجربیات مختلف حوزه مربوطه هستند که بخشی از مجموعه تصمیم‌گیری مسائل هویتی در مجموعه حکومت را تشکیل می‌دهند.

این مقاله راهنمای عمل اندیشکده‌ها و تصمیم‌گیران حوزه مسائل راهبردی است که برای حل مسائل پیچیده فرهنگی، نیازمند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و راهبردی به منظور درک ضرورت توسعه ظرفیت اندیشکده‌ها برای حل مسائل پیچیده و مزمن هویتی کشورمان هستند. شاید بتوان برخی راهبردهای حوزه اقتصادی و یا سیاسی را به صورت دوره‌ای و یا آزمون خطا و یا آزمایشی تدوین کرد؛ اما مسائل هویتی به شاکله وجودی و تعریف انسان در اجتماع از من و ما و دیگران ارتباط می‌یابد که مسائل حساس و فرهنگی جامعه است که نمی‌توان با سیاست‌زدگی یا آزمون و خطا و یا به صورت موقت به حل مسائل مزمن بیندیشیم که در این صورت آثار زیانبار و سلبی سنگینی به نسل‌های آینده تحمیل خواهد شد.

توصیه‌های مؤثری برای ایجاد طرح لازم در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری راهبردی و نیز اجماع‌سازی و جامعه‌پذیری تصمیمات راهبردی در این مقاله ارائه شده است. «اندیشکده‌ها» یا اتاق‌های فکر در جهان، طی سه دهه‌ی گذشته در بیشتر کشورها، توسعه‌یافته و تکثیرشده‌اند و اغلب به دلیل پیچیدگی اتخاذ راهبرد و نیز رصد روندها و دشواری و چندبعدی بودن تصمیم‌گیری و اجماع‌سازی راهبردی، در حوزه شکاف‌های هویتی، استفاده از ظرفیت اندیشکده‌ها، این نهادهای تصمیم‌ساز را به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کنشگران حل مسائل پیچیده و مزمن سیاست‌گذاری عمومی در این حوزه از امنیت و انسجام ملی تبدیل نموده است. پایش رخدادهای و تغییر باورها و ارزش‌ها، نگرش‌ها و تولید محتوا، برنامه‌ریزی و بازخوردگیری و اجرای مبتنی بر روش‌های مطالعه شده و تجربیات موفق بشری، توسط اندیشکده‌های تخصصی و از طریق تکنیک‌های جامعه‌شناسی صورت می‌پذیرد. این مهم با در نظر گرفتن ابعاد مختلف و تأثیرات متقابل عوامل مداخله‌گر بر یکدیگر به دور از نقاط ضعف نظام‌های بوروکراسی و نیز پرهیز از سیاست‌زدگی‌های مقطعی صورت می‌گیرد. از این‌رو، ارائه سازوکار و مدل سیاست‌گذاری صحیح و بومی با استفاده از مدل‌ها و تجربیات موفق بشری و متناسب‌سازی آن، با شرایط بومی کشورمان که به افزایش نوآوری و خلاقیت بر پایه خردجمعی و نیز بر چهارچوب‌های نظری و علمی استوار باشد، هدف اصلی این مقاله است.

در همین راستا، اندیشکده‌ها، به‌عنوان ساختاری تخصصی با هدف تسهیل و تعمیق فرایند یادگیری سیاست و مساعدت سیاست‌گذاران؛ با تولید ایده‌های سیاستی و ایجاد اتصال بین مراکز تولید دانش و سیاست‌گذاران؛ تقریباً به‌طور مستقیم، وارد عرصه



سیاست‌گذاری می‌شوند. در سده‌ی اخیر که موج‌های دوم و سوم اندیشکده‌های نوین شکل گرفته‌اند؛ شاهد روند رو به رشد کمی و کیفی این قبیل مؤسسات سیاست‌پژوهی و تصمیم‌سازی در نقاط مختلف جهان و عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته در حوزه مسائل امنیت بین‌الملل هستیم. از آنجا که ویژگی منحصر به فرد مسائل هویتی، بطئی و کند بودن و به همان نسبت ریشه‌دار بودن مسائل و به هم آمیختگی و اثرات متقابل آن بر سایر حوزه‌ها و یا سایر مسائل هویتی است؛ لذا راه‌حل مسائل هویتی اساساً نمی‌تواند بر رویکردهای بی‌ثبات و ناپایدار و کوتاه‌مدت استوار باشد و یا در قالب اتخاذ تصمیمات انفعالی و روزمره یا برنامه‌ریزی‌های سالانه به آنها نگاه شود زیرا در صورت غلبه نگاه‌های کوتاه‌مدت، اعمال این دست راه‌حل‌ها، به دلایل ذکر شده، از اثربخشی و کارآمدی لازم برخوردار نخواهند بود و در نتیجه به تشدید شکاف منجر خواهند شد.

سؤالات و اهداف تحقیق

- سؤال تحقیق

- ۱- ویژگی‌های روشی و فرآیندهای تصمیم‌گیری راهبردی برای ظرفیت‌سازی و توسعه ظرفیت اندیشکده‌های تخصصی و راهبردی در نظام تصمیم‌گیری و حل مسائل هویتی ایران کدام است؟
- ۲- الگوی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری راهبردی با استفاده از ظرفیت اندیشکده‌های راهبردی در ارائه راه‌حل مسائل هویتی ایران کدام است؟

- هدف تحقیق

- ۱- تبیین الزامات روش‌شناسی، سازوکارها و فرآیندهای ظرفیت‌سازی و توسعه ظرفیت‌های اندیشکده‌های راهبردی حوزه مطالعات هویتی ایران.
- ۲- ارائه الگوی نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری راهبردی با بهره‌گیری از ایجاد و توسعه ظرفیت اندیشکده‌های تخصصی و راهبردی در ایران.

چارچوب نظری و مفهومی

۱- پیشینه تحقیق

در حوزه سیاست‌گذاری هویت ملی مقاله‌های قابل توجهی وجود دارد. از جمله اهم آنها می‌توان به موارد ذیل تصریح کرد. مقاله کریمی و قاسمی طوسی با عنوان سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت‌سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران تألیف نظری و سازمند؛ مدل‌ها و الگوهای مدیریت تنوعات هویتی و قومی؛ ارائه راهکارهایی برای ایران تألیف آقای برات‌علی‌پور؛ مقاله «شکاف‌های قومی مذهبی مؤثر بر امنیت ملی ایران» اثر سیدجواد امام‌جمعه‌زاده و حسین مهدیان و مقاله «زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران» اثر حسین محمدزاده و سعید خانی؛ مقاله «نقش شکاف‌های قومی در بحران‌های ژئوپلیتیکی ایران در مناطق مرزی» اثر آقایان علی عبدالله‌نژاد، حیدر لطفی، مجید کریم‌پور؛ گزارش پژوهشی جامع دولت و ایده شکاف قومی در ایران اثر پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات اثر هادی سلیمانی قره‌گل؛ کتاب شکاف‌های اجتماعی و توسعه سیاسی در ایران معاصر علی‌محمد حقیقی انتشارات بین‌الحرمین تهران؛ هویت و نهادها راه‌های کاهش ستیزه در جوامع منقسم و چندپارچه و نیز در حوزه سیاست‌گذاری عمومی کتاب آقای اشترینان؛ مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی و نیز مبانی سیاست‌گذاری عمومی؛ اثر آقای ملک محمدی و مبانی سیاست‌گذاری عمومی تحلیل سیاست‌ها اثر پارسونز را می‌توان نام برد.

۲- تعریف مفاهیم و بیان مدل نظری

اگر بخواهیم به‌طور خلاصه اندیشکده را تعریف نماییم، تعریف دانشگاه پنسیلوانیای امریکا^۱ از اندیشکده یا اتاق فکر، تعریف نسبتاً جامعی به نظر می‌رسد:

«اندیشکده‌ها؛ سازمان‌های پژوهش تحلیلی، سیاست‌گذاری عمومی و تعاملی هستند که درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، پژوهش‌ها، تحلیل‌ها و توصیه‌هایی را مبتنی بر سیاست‌گذاری تولید می‌کنند. در نتیجه سیاست‌گذاران و عموم مردم را قادر می‌سازند تا در مورد سیاست‌های عمومی، تصمیمات آگاهانه‌ای بگیرند.» (جیمز جی مک‌گان، ۲۰۱۲: ۱۶).

در کشور ما، علی‌رغم این‌که ایجاد و بهره‌گیری از اندیشکده‌های مستقل و در طراز جهانی دارای سابقه‌ای طولانی و تأثیرگذاری نیست، اما توسعه روزافزون کمی و کیفی نهادهای پژوهشی تألیف‌کننده فصلنامه‌های دانشگاهی از یک‌سو و نیز گسترش میزان پیچیدگی مسائل عمومی ملی و نیز عدم امکان مدیریت متمرکز دولتی در تمام عرصه‌ها از سوی دیگر، لزوم اتصال و بهره‌گیری از ظرفیت اتاق‌های فکر علمی را در حل مسائل به هم تنیده سیاستی و ملی، گریزناپذیر نموده است. به‌رغم تلاش‌های اندک، ساماندهی خاصی در حوزه هم‌افزایی و تقسیم‌مأموریت و همکاری میان اندیشکده‌های نسبتاً

1. TTCSP//repository.upenn.edu/think-tank's/7



اندک موجود در کشور، مشاهده نمی‌شود. از این‌رو در بودجه سال ۱۴۰۰ فقط ۷ اندیشکده‌ی موفق به داشتن ردیف بودجه پژوهشی ملی شدند که هیچ‌یک در حوزه مطالعات هویتی فعال نیستند و سایر اندیشکده‌ها یا اتاق‌های فکر در کشور زیرمجموعه سازمان‌ها و نهادهای دولتی محسوب می‌شوند و از ردیف بودجه بسیار محدود مؤسسات دولتی استفاده می‌کنند که عملاً کار ویژه آنها تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و تدوین برخی انتشارات و گزارش‌های سفارشی در سطح عملیاتی یا تاکتیکی است و به‌ندرت درگیر پژوهش‌های سیاست‌گذاری با نگاه راهبردی و کلان‌چند دستگامی و سطح تصمیم‌گیری ملی هستند. در واقع در یک آسیب‌شناسی اولیه باید اذعان نمود؛ همچنان نگاه سیاست‌گذاران کلان و خرد و نهادهای اجرایی کشور به اندیشکده‌ها مبتنی بر نگاه‌های کوتاه‌مدت و سطوح غیر راهبردی است و نیز بر بهره‌گیری در امور روزمره و مطالعات با حداکثر عمر شش ماه تا یک سال استوار است؛ در حالی که در حوزه هویت و شکاف‌های هویتی، مطالعات باید از عمق و دامنه زمانی بیشتری برخوردار باشند و به‌صورت منظم و در دوره‌های زمانی متناسب به‌صورت پیوسته و مستمر مورد سنجش و یا روندپژوهی واقع شوند. همچنین بایستی مستندسازی‌ها و سنجش شاخص‌های پنج، ده، بیست‌ساله و بیشتر در قالب روندپژوهی و تأثیر عوامل و متغیرها مورد مطالعه واقع شوند تا امکان ایجاد الگوی صحیح تصمیم‌گیری راهبردی کارآمد و اثربخش میسر گردد.

هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع در سطح ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارت‌اند از: «سرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). کشور به‌منزله‌ی یک واحد سیاسی مستقل، بسیاری از عناصر هویت‌بخش نظام اجتماعی را از سایر نظام‌ها متمایز و جدا می‌سازد (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۰۱).

هویت به‌عنوان سازه‌ای معنایی و متضمن منابع و موقعیت‌ها و یا محیط‌های اجتماعی، در هر صورت به‌شدت متأثر از سیاست‌گذاری دولت‌هاست. لذا در محیط اجتماعی به‌ویژه مناسبات قدرت حاکم، هویت باسیاست پیوندی تنگاتنگ می‌یابد (برتون، ۲۰۰۰: ۱۱۷). بر این اساس، مزیت اندیشکده‌ها، ارائه نظرات و سیاست‌گذاری‌های حرفه‌ای و پرهیز از سیاست‌زدگی جناحی و نیز صیانت از اتخاذ

۱. پیش‌نویس بودجه سال ۱۴۰۰.



رویکردهای ملی و در طراز و شاخص امنیت و منافع ملی بدون محافظه‌کاری است که در ارائه نظرات کارشناسی دقیق در چهارچوب ارزش‌ها و اصول ملی مصرحه در قانون اساسی نظیر مردم‌سالاری اسلامی، عدالت، برابری و آزادی مسئولانه است؛ اما جهت توسعه ظرفیت اندیشکده‌ها در حل مسائل قومی و مذهبی و شکاف گفتمانی چه الزامات روشی و فرآیندی وجود دارد؟

ظرفیت‌سازی؛ فرآیندی است که طی آن افراد و سازمان‌ها، مهارت‌ها، دانش‌ها، ابزارها، تجهیزات و سایر منابع مورد نیاز برای انجام صحیح وظایف خود را به دست می‌آورند، بهبود می‌بخشند و آن را حفظ می‌کنند. این امر به افراد و سازمان‌ها، امکان می‌دهد تا مخاطبان بیشتر و نیز تأثیر بیشتری را هدف قرار دهند.^۱

بنابراین ظرفیت‌سازی یک واژه انتزاعی است که طیف معنایی وسیعی دارد و حوزه‌های گوناگونی از دانش و منابع را در برمی‌گیرد که مؤسسات دولتی و غیردولتی به منظور ارتقا سطح کارآمدی و بهبود بهره‌وری بایستی به آن مبادرت ورزند.

ظرفیت‌سازی عبارت است از فرآیند یادگیری فردی و سازمانی که در آن مهارت‌سازی، شبکه‌سازی و عملکرد در راستای افزایش دانش، منجر به بهره‌وری سازمان و پیشرفت افراد شاغل در آن می‌گردد. ظرفیت‌سازی به معنای ارتقاء و توسعه توانایی‌ها در راستای سنجش و ارزیابی و هم‌چنین پاسخ به نیازهای کشور، از طریق درک صحیح سیاست‌ها و الگوهای بهینه توسعه است. ظرفیت‌سازی اصلاح و بهبود توانایی سازمانی به منظور ارائه عملکرد مطلوب و دستیابی به نتایج از پیش طراحی شده در مدت‌زمان خاص است. ظرفیت‌سازی به‌ویژه در علوم به کلیه تلاش‌های لازم برای ایجاد جامعه‌ای انتقادی، صیانت از دانشمندان و حمایت از زیرساخت‌هایی همچون امکانات و تسهیلات و محیط مناسب برای انجام تحقیقات، آموزش و مشاوره و آموزش حرفه‌ای اطلاق شده است.

توسعه ظرفیت اندیشکده‌ها، نیازمند ایجاد یک سیستم یا نظام است که بر چند گام استوار است: نخست نظام مسأله‌شناسی^۲ و سپس «توصیف» (بیان چیستی مسأله) و نیز «تبیین» (بیان چرایی مسأله) و در نهایت تبیین گزینه‌ها یا راه‌حل‌ها و همراه با تشریح هزینه‌ها و فایده‌های هر کدام.

مسأله‌شناسی شکاف‌های هویتی و ارزیابی محیط کنشگران داخلی و خارجی و نقاط

۱. (برنامه توسعه سازمان ملل متحد ۲۰۰۶: Undp)



ضعف و قوت نظام باید به صورت مستمر انجام شود. این امر مستلزم ایجاد یک سیستم و نظام است که نهایتاً به برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری راهبردی و هدایت و فرماندهی اجرای راهبردها و تصمیمات و کنترل و ارزیابی و توصیه‌های اصلاح سیاستی یا اجرایی منتهی می‌شود و این چرخه به صورت مستمر به اصلاح سیاست‌ها خواهد پرداخت. ایجاد چنین چرخه و سیستمی نیازمند برخورداری از حمایت یک‌نهاد دولتی بالادستی نظیر شورای عالی امنیت ملی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی یا مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا مجلس شورای اسلامی است. علاوه بر این فرایند که «نظام تصمیم‌سازی» برای حل مسأله نامیده می‌شود باید از سیاست‌زدگی و نیز سندرم گروه اندیشی (۲) پرهیز شود و نیز در ترکیب هیئت اندیشه‌ورز مسؤول تصمیم‌سازی بایستی جامعیت ترکیب کارشناسی و رویکرد فرارشته‌ای و آینده‌پژوهی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا سیاست‌گذاری در حوزه‌های هویتی مسأله‌ای به شدت پیچیده و مرتبط با متغیرهای متعدد سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است که باید ابعاد مختلف مسأله و اثرات متقابل متغیرهای گوناگون مورد ارزیابی و توجه واقع شود. هم‌چنین کارشناسان رشته‌های مختلف در نشست‌های منظم و مستمر با مدیریت اندیشکده‌ها، باید به گونه‌ای فضای نشست‌های خبرگی را مدیریت نمایند که از سیاست‌زدگی و نیز تک‌بعدی نگری اجتناب شود.

پرهیز از نتیجه‌گیری‌های سطحی و بی‌نظمی و ممانعت از عملکرد ناقص در گزارش‌نویسی و چکیده‌نویسی نتایج امری الزامی است و جمع‌بندی دقیق نشست‌ها و به اشتراک گذاشتن منظم و مستمر نتایج بحث‌های کارشناسی و پیشرفت کار متناسب با گیرندگان گزارش بسیار ضروری است تا پیوستگی مطالب و انگیزه و نظم حضور کنشگران مختلف را تقویت نماید. ضعف گزارش‌دهی یا به اشتراک گذاشتن نظرات و اطلاعات، به نقص فرآیند اجماع‌سازی میان اعضای نشست منتهی خواهد شد.

از جمله مسائل حائز اهمیت مدیریت جلسات است که نقش معجری و مدیر نشست‌های خرد جمعی مستلزم روش خاص و اقتضائات مدیریتی است که در مباحث مدیریت جلسات تبیین شده است. هم‌چنین از منظر روشی ممکن است روش‌های مختلف بر پایه خرد جمعی اعم از طوفان فکری^۱ و یا دلفی^۲ و فوکوس گروپ^۳ و آینده‌پژوهی (با تأکید بر تکنیک ساخت و ترسیم آینده^۴ مطلوب) مورد استفاده قرار

1. Brain Storm

2. Delphy Methodology

3 Focous Group

4. Future creation

گیرد. یکی از اجزای الزامی گزارش‌های راهبردی ارائه یک صفحه برآورد وضعیت عمدتاً ده سال آینده مسأله است. به طور مثال اگر توصیف وضعیت شکاف قوم‌گرایی آذری موضوع بررسی است باید در یک صفحه مستند به جمع‌بندی نشست‌های مبتنی بر خرد جمعی با روش‌های متناسب آینده‌پژوهی، برآورد کارشناسی از یک دهه آینده موضوع یا مسأله مورد بررسی تشریح شود. (۳)

در رویکرد «حل مسأله» و «خلق آینده» (۴) مطلوب، اندیشکده‌های راهبردی با اتکا به «خرد جمعی» و «ارائه راه‌حل‌های بومی» و استفاده از تکنیک‌های «اجماع‌سازی» در جهت هماهنگی و هم‌افزایی میان ذی‌نفعان، بهترین راه‌حل‌ها را به بهترین نحو با برنامه‌ریزی راهبردی و تقسیم نقش میان ذی‌نفعان، تدوین و اجرا می‌کنند و با گرفتن بازخورد به تقویت حل مشارکتی مسائل در قالب همکاری نهادهای دولتی و غیردولتی می‌پردازند و از فضای سیاست‌زدگی و نگاه‌های کوتاه‌مدت و یا مبتنی بر عکس‌العمل یا واکنشی پرهیز می‌شود. در فضای برنامه‌ریزی شده از کنش مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های با نگاه بلندمدت استفاده می‌شود. این امر نیازمند نظام‌سازی و نگاه سیستمی است که طی نشست‌های حرفه‌ای رسمی و نیمه‌رسمی و به صورت تدریجی به مدیریت آگاهانه و تدریجی مسائل و برنامه‌ریزی و اجرا و اخذ بازخورد امکان‌پذیر خواهد شد.

هم‌چنین رویکرد حاکم بر نشست‌های ایده‌پردازی و خرد جمعی با توجه به ویژگی مسائل هویتی باید همراه با نگاه فرارشته‌ای باشد. رویکرد فرارشته‌ای^۱ رویکردی متفاوت از بین‌رشته‌ای یا میان‌رشته‌ای است که در آن ایده‌ها و روش‌ها و راه‌حل‌ها از یک رشته وام گرفته نمی‌شود و از دیدگاه و منظر رشته‌های مختلف با هم‌پوشانی و هم‌افزایی از زاویه دانش‌های مرتبط نظیر جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، سیاست‌گذاری و امثال آن به ارائه حل مسأله می‌پردازد. این رویکرد، چارچوب دانش را افزایش می‌دهد و نگاه‌های جدیدی ایجاد می‌کند که حاصل تبادل افکار دانشمندان رشته‌های مختلف و اقناع یکدیگر و آشنایی با زوایای مختلف و خلاقانه‌تر از نگاه‌های تک‌رشته‌ای یا بین‌رشته‌ای است. در این روش پژوهشی، دانش پژوهان رشته‌های مختلف به‌طور جمعی ایده‌های خود را بیان می‌کنند و در ارائه راه‌حل یک تعامل و همفکری جمعی در میان رشته‌های مرتبط صورت می‌پذیرد. آنچه در این رویکرد مهم است وحدت نیست، بلکه انسجام و ارتباط منطقی میان رشته‌های دانش است. استفاده از

1. Trans-Disciplinarily



تکنیک موسوم به سوات^۱ یا سنجش ماتریس قوت، ضعف، فرصت و تهدید از جمله ملزومات معمول تصمیم‌گیری‌های راهبردی است. برنامه‌ریزی و نشست‌های خبرگی با همه ذی‌نفعان و کنشگران پس از خرد کردن مسائل به منظور یافتن و کشف راه‌های خلاقانه و بدیع صورت می‌گیرد و در نهایت راهبردهای حاصله تدوین خواهد شد. چگونگی تقسیم وظایف در یک محیط اجماعی با لحاظ کردن ظرفیت منابع انسانی سازمانی و مادی تدوین می‌شود؛ اما نظام حل مسأله در اینجا به پایان نمی‌رسد وضع مطلوب و خط‌مشی نیل به وضعیت مطلوب و شاخص‌های نقطه یا وضع مطلوب، مشخص می‌شود و مورد رصد و پایش مستمر نوبه‌ای واقع می‌شود و در صورت انحراف از نیل به وضعیت مطلوب تصمیمات و اقدامات و راهبردها اصلاح و تکمیل می‌شوند (رامادیر، ۲۰۰۴: ۴۲۳).

طبعاً رسیدن به چنین فرآیند و ایجاد سازوکارهای آن در حوزه مدیریت مسائل هویتی، نیازمند هماهنگی با بخش‌های ذی‌ربط دستگاه‌های سیاست‌گذاری نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی است؛ اما چنانچه اندیشکده‌های تخصصی گام‌ها و الزامات مورد بحث را با استواری و بر پایه اتقان و استحکام گزارش‌ها و اطلاعات دقیق رصد شده بردارند با مدیریت هوشمند می‌توان در مدت‌زمانی کوتاه، ابتدا مسأله‌شناسی موضوعات هویتی را مشخص ساخته و سپس یک نمای کلی از مسائل هویتی با نگاه تهدید، فرصت، قوت و ضعف تهیه نمود. به‌طور مثال ممکن است سه گروه شکاف قومی، مذهبی و گفتمانی احصا شود. در مرحله بعد مسائل و زیر مسائل هر یک و کنشگران آن تعیین و با دعوت از ایشان و رعایت الزامات روشی و نیز سایر الزامات پیش‌گفته با انجام نشست‌های خبرگی مستمر، فهرستی از مسائل هویتی در قالب بیان مسائل و نه موضوعات تهیه می‌شود. در این گام در واقع باید به این سؤال پاسخ دهیم که دسته‌بندی موضوعات اصلی هویتی جمهوری اسلامی در حال حاضر کدام است؟ موضوعات فرعی آن به ترتیب اهمیت کدام هستند؟ در هر موضوع با چه مسائلی مواجه هستیم؟ در گام دوم با نشست‌های مستمر خبرگی که به تدریج با حضور تحلیلگران و محققان و کنشگران آن موضوع، شکل می‌گیرد در صدد توصیف مسأله و جمع‌آوری اطلاعات لازم در جلسات یا خارج از آن با مشارکت نمایندگان دستگاه‌ها و کنشگران مسأله پرداخته خواهد شد. در توصیف مسأله طبعاً چستی مسأله و نیز ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های

1. SWOT

نشانگر تغییر مؤلفه‌های هویتی و تحلیل وضعیت محیط داخلی و محیط خارجی با گردآوری و جمع‌بندی و تحلیل داده‌های کلیه کنشگران و دستگاه‌ها همراه با تجمیع و ارائه نتایج مطالعات کارشناسی تحلیلگران حرفه‌ای اندیشکده‌ها صورت می‌گیرد. در گام بعد باید به این سؤال پاسخ دهیم که بر تبیین یا چرایی ایجاد مسأله تمرکز خواهد شد و ماتریس فرصت تهدید قوت و ضعف مسأله تدوین و مورد اعتبارسنجی کنشگران و تحلیلگران خبره قرار خواهد گرفت. سپس به بیان راه‌حل‌ها و سیاست‌گذاری‌ها با توجه به بررسی پیشینه و سوابق مسأله که تا حدود زیادی در گزارش‌های توصیفی و تبیینی تشریح شده است، پرداخته خواهد شد. ارائه راه‌حل‌های گوناگون که معمولاً در این جلسات خبرگی با روش طوفان فکری انجام می‌شود و نیز ارائه گزارش‌های آینده‌پژوهی مسأله نیز در دستور کار بررسی روایی و اعتبارسنجی از منظر کارشناسان رشته‌ها و دستگاه‌های مختلف واقع می‌شود. تیم آینده‌پژوهی معمولاً مشتمل بر یک متخصص آینده‌پژوهی و استاد روش‌شناسی آینده‌پژوهی است که همواره در جلسات خبرگی حضور دارد و اطلاعات لازم برای سناریو نگاری یا هر روش متناسب آینده‌پژوهی را جمع‌آوری و از نگاه آینده‌پژوهی گزارش خود را تدوین و ارائه خواهد کرد تا به بررسی روایی و اعتبارسنجی آن، براساس روش فازی دلفی پرداخته شود.

پس از روشن شدن گزینه‌های مختلف و برآورد هزینه فایده و اثربخشی اجمالی هر گزینه، گزارش نهایی که متضمن ارائه راهبردها و سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و اقدامات حل مسأله است؛ به مقامات یا نهاد تصمیم‌گیر ارائه خواهد شد. با تصویب تصمیم و اتخاذ راهبرد که باید به تأیید مقامات بالادستی برسد مشارکت دادن و تقسیم‌کار و ریز کردن اقدامات و سیاست‌ها و راهبردهایی که دستگاه‌های مختلف باید انجام دهند در قالب گزارش‌هایی به سلسله‌مراتب بوروکراتیک بالادستی و نیز کلیه متصدیان موضوع ارائه خواهد شد.

پیش‌بینی و تدارک یک نظام کنترل و نظارت هوشمند با مشارکت دستگاه‌ها یا احیاناً نیازسنجی جهت افکارسنجی‌های مستمر فصلی، سالانه و یا چند سال یک‌بار نیز بودجه‌بندی می‌شود. براساس بازخورد اقدامات و ارائه گزارش‌های کنترل و نظارت هوشمند، ارزیابی لازم نسبت به اثربخشی و کارایی سیاست‌ها و اقدامات توصیه شده در گزارش راهبردی نهایی، مورد سنجش مستمر واقع می‌شود. بدین ترتیب یک نظام حل مسأله با محوریت اندیشکده‌های راهبردی و همکاری و مشارکت کلیه کنشگران و



دستگاه‌های ذی‌ربط مسائل هویتی در کشور ایجاد می‌شود که مرجع توصیف و تبیین و ارائه راه‌حل‌ها و استمرار و اصلاح و ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات است. این اندیشکده‌ها، نگاهی حرفه‌ای به دور از سیاست‌زدگی دارند که با تربیت تحلیلگران حرفه‌ای از ساختار خود انتقادی برخوردارند و با ارائه ارزیابی مستمر از نتایج موفقیت یا ضعف اجرای سیاست‌های اتخاذ شده، قبل از انحراف و دور شدن از اهداف مشکل را تشخیص می‌دهند. به این ترتیب، یک اجماع، هماهنگی و نظام مشارکتی تصمیم‌گیری توسط اندیشکده‌ها محقق می‌شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از تکنیک‌های جمع‌آوری اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است و با استفاده از جلسات خبرگی بر پایه منطق و تکنیک فازی دلفی^۱ به تجزیه و تحلیل از طریق خبرگان تخصص‌های مختلف و ترکیب نگاه و رویکردهای آینده‌پژوهی مبتنی بر پارادایم خلق آینده و نیز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری راهبردی و جامعه‌شناسی برای رسیدن به اهداف تحقیق استفاده شده است و در پایان نتیجه مهم این تحقیق ارائه طرح ظرفیت‌سازی و توسعه ظرفیت اندیشکده‌ها در چگونگی حل مسائل حوزه هویت ملی ایران است. از مشهورترین تکنیک‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری گروهی^۲؛ شیوه طوفان فکری^۳ و تکنیک فازی دلفی است که در روش اخیر گروهی از متخصصان به‌طور ناشناس به پرسشنامه‌ها پاسخ می‌دهند و متعاقباً بازخوردهایی به‌صورت بازنمایی آماری از پاسخ گروه دریافت می‌شود، پس از آن، این روند به‌منظور اعتبار سنجی، دوباره تکرار می‌شود. در دلفی بر پایه فازی پاسخ‌دهندگان با عبارات کلامی و توصیفی نظر خود را بیان می‌کنند. هم‌چنین ابهامات در اطلاعات به‌دست آمده مورد بررسی و پردازش واقع می‌شود. در این روش مبتنی بر خرد جمعی، تلاش شده است تا با برگزاری نشست‌ها و جلسات مکرر و بر پایه افناع به اجماع^۴ دست یابیم. یافته‌های تحقیق نتیجه‌ی خرد جمعی و بحث بر چهارچوب نظری و تکیه بر استفاده از ابزار پرسشنامه‌های باز و نیمه‌باز و نیز بسته به اقتضای نوع سؤال یا مسأله و واکاوی از طریق تکنیک‌های طوفان فکری و دلفی فازی با مشارکت ۱۶ نفر از خبرگان آکادمیک و

1. Fuzzy Delphi Method.FDM

2. Group Decision Making

3. Brain Storming

4 Consensus

صاحبان تجربه و بهره‌مند از دانش ضمنی، بوده است که مشخصات اصلی ایشان در جدول ذیل بیان شده است.

تعداد	تحصیلات تخصصی	تجربه مرتبط
۲	دکتری مدیریت	سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی
۳	جامعه‌شناسی	مطالعات سیاسی
۲	کارشناسی ارشد حقوق عمومی	مطالعات حقوقی
۱	کارشناس هوش مصنوعی	برنامه‌ریزی
۳	کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل و علوم سیاسی	مطالعات روابط بین‌الملل
۱	دکترای ژئوپلیتیک	مطالعات هویتی
۱	خارج فقه	مطالعات امنیت ملی
۱	دکتری سیاست‌گذاری عمومی	مطالعات امنیت ملی
۲	دکتری آینده‌پژوهی	مطالعات امنیت داخلی

یافته‌های تحقیق

بنابر مطالعه انجام شده و در جمع‌بندی نتایج نشست‌های کارشناسی و تلخیص محورهای پاسخ به سؤالات مطروحه پژوهش، الزامات توسعه ظرفیت اندیشکده‌های راهبردی در حوزه هویت ملی؛ در موارد ذیل قابل احصا است.

۱- ایجاد نظام و سیستم مسأله‌شناسی مسائل هویتی مبتنی بر رویکرد اجماع‌سازی میان کنشگران حوزه مسأله هویتی مربوطه و پرهیز از سیاست‌زدگی.

فقدان این سیستم و عدم تهیه یک فهرست کامل از مسائل هویتی جامع به صورت چند مسأله اصلی و فهرست زیرمسأله‌های فرعی آن باعث می‌شود تا توجه و برنامه‌ریزی برای مسائل هویتی کشور با مشکل مواجه شود و این احساس که با بی‌نهایت مسائل هویتی مواجه هستیم شکل بگیرد؛ لذا با ایجاد فهرست کاملی از مسائل طبقه‌بندی شده در حوزه هویت ملی این تصویر ایجاد می‌شود که به‌رغم تکثر و مزمن بودن مسائل هویتی یک دسته‌بندی منسجم از نظام مسائل ایجاد شده است و سیاست‌گذاران عالی نظام بر سلسله و گلوگاه و مسأله اصلی اشراف خواهند یافت که در صورت تمرکز بر آنها، حرکتی هماهنگ در حل مسائل هویتی ایجاد خواهد شد که می‌تواند هم‌افزا و هم‌راستا به ساماندهی مسائل بیانجامد.



۲- تکیه بر خرد جمعی مبتنی بر روش‌شناسی بر پایه علمی و مشتمل بر مبانی نظری علمی. (تربیت تحلیلگران تخصصی) بر پایه اصول و موازین روش‌شناسی دانش مدیریت فرهنگی (۵) بجای نظام تصمیم‌گیری بوروکراتیک و شخص محور اعم از شخصیت حقیقی یا شخصیت حقوقی.

۳- توجه به ترکیب فرارشته‌ای و نخبگان نظری یا آکادمیک (دانش صریح) و نیز خبرگان تجربی (دانش ضمنی) و نیز نگاه آینده‌پژوهی در کنار جامعه‌شناسی و مطالعات تخصصی هویتی و شکاف‌های هویتی و به‌مقتضای کیفیت و نوع مسأله، استفاده از متخصصین ژئوپلیتیک، علوم سیاسی، حقوق و... .

۴- مرجعیت‌بخشی به اندیشکده‌ها از طریق نهادینه‌سازی ارائه‌ی گزارش‌های مستمر و منظم توصیفی (بیان چیستی مسأله) و سپس تبیینی (بیان چرایی مسأله) به دنبال ایجاد نشست‌های کارشناسی و جمع‌بندی نتایج نشست‌های خبرگی از سوی اندیشکده‌های تخصصی مربوطه و جمع‌بندی نظرات خبرگان مسأله.

(مشارکت تمام ذی‌نفعان و مسئولان سیاست‌گذاری و اجرایی مرتبط یا نمایندگان آنها در کنار گروه تحلیلگران مسائل هویتی برای نیل به تحلیل و توصیف دقیق و ذو ابعاد و جامع مسأله بسیار مهم است).

۵- ایجاد فرآیندهای مشارکتی کنترل و نظارت به‌منظور ارائه بازخورد و اصلاح و یا تکمیل سیاست‌گذاری یا تصمیم یا اقدام مطلوب.

۶- انجام آینده‌پژوهی تخصصی در حوزه شکاف‌های هویتی به‌منظور ارائه برآورد ده‌ساله آینده مسأله.

برآورد ده‌ساله مبتنی بر روندپژوهی است که طبعاً راه‌حل‌های ارائه شده ناظر به ترسیم و خلق آینده‌ای مطلوب براساس پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌های مصوب خواهد بود.

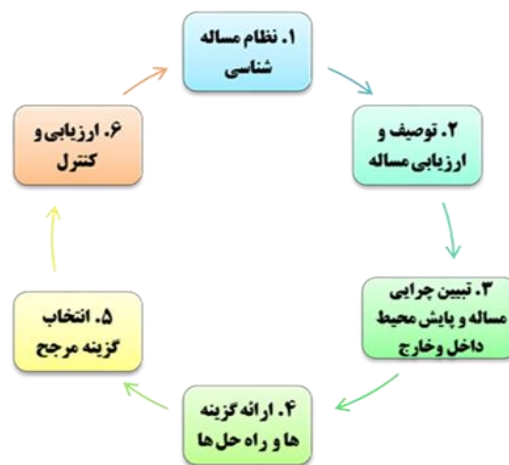
شکل شماره ۱: الزامات توسعه ظرفیت اندیشکده‌های راهبردی



از منظر آسیب‌شناسی در حال حاضر با انبوه مصوبات و تصمیمات و سیاست‌هایی مواجه هستیم که به دلایل مختلف اجرا نشده و معطل باقی مانده‌اند و به‌رغم پذیرش و تصویب آنها، در حوزه مسائل هویتی با ضعف اجرا و پیاده‌سازی مواجه هستیم و تنها زمانی که نوک کوه یخ چالش‌ها یا تهدیدات هویتی کشور از آب بیرون می‌زند هر دستگاهی از قبیل ارشاد یا دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، آموزش و پرورش و یا نهادهای امنیتی و...، تصمیمات عکس‌العملی و انفعالی را برای اقدام در قالب جزیره‌ای و براساس شرح وظایف سازمانی خود تصویب و برای مدتی اجرا می‌کنند که عمده‌تاً به‌طور ناقص اجرا می‌شود و حتی در صورت اجرا نیز به دلیل فقدان نگاه و رویکرد جامع و هم‌افزایی بین دستگاه‌ها، فاقد کفایت اثربخشی در حل مسأله است. علت این امر به دو مسأله یکی فقدان نگاه سیستمی (۶) منسجم به مسائل هویتی ایران و ایجاد یک سیستم مدیریتی که از مسأله‌شناسی تا اجرا؛ همواره نسبت به اقدامات و رخدادها و روندشناسی و اصلاح تصمیمات و ممانعت از غفلت راهبردی و ضعف و عدم اجرای مصوبات، گزارش و رصد و بازخورد مستمر ارائه نماید. ارائه گزارش‌های مستمر و منظم، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سبب تشویق و نیز بازدارندگی مجریان و پرهیز از



غفلت می‌شود. بر این اساس با ایجاد یک سیستم استاندارد ساده برای حل مسائل هویتی مشتمل بر مراحل ذیل می‌توان مانع غفلت‌های راهبردی و مزمن شدن مسائل شد. برای اطمینان از انجام اقدامات این سیستم به‌طور مستمر بازخورد اجرای راهبردها، تصمیمات و اقدامات و رخدادها و تغییرات محیطی را با استفاده از ایجاد سازوکارهای لازم مشارکتی با همراهی و تقسیم وظایف میان دستگاه‌های ذی‌ربط توسط اندیشکده مرجع هویتی تحت پایش مستمر قرار می‌دهد.



شکل شماره ۲: نظام حل مسائل هویتی ایران

بنابراین مسأله‌ی بسیار مهم و کلیدی در این حوزه فقدان یا ضعف ظرفیت‌سازی برای اجرای مصوبات و تصمیمات و راهبردهاست که اندیشکده‌ها می‌توانند با توسعه ظرفیت خود با مراعات مراحل و الزاماتی که بیان شد، این معضل را مدیریت نمایند و به‌تناسب تصمیمات و راهبردها در روند اجرای برنامه‌ها نیز مشارکت و عهده‌دار نقش‌ها و وظایف برنامه‌ریزی و کنترل و نظارت و حتی در صورت اقتضا، در اجرا و اجماع‌سازی در حوزه تصمیم‌گیری مشارکت نمایند.

نتیجه‌گیری

بنابر مطالعه به‌عمل‌آمده که حاصل مطالعه الگوها و تجربه‌های موفق بشری و نیز جمع‌بندی نظرات خبرگی بومی است؛ نیل به وضعیت مطلوب در «مدیریت و ایجاد



نظام حل مسائل» پیچیده هویتی نظیر شکاف‌های قومی، مذهبی و گفتمانی، نیازمند سیستم و نظام هوشمند سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، تدوین و اجرای راهبردها و اقداماتی است که لزوماً باید بر پایه رعایت الزامات این امر صورت پذیرد که مشتمل بر مطالعات آینده‌پژوهی؛ پرهیز از سیاست‌زدگی؛ بر پایه نگاه فرارشته‌ای؛ اجماع‌کنشگران؛ مدیریت مشارکتی خبرگان؛ غلبه نگاه سیستمی و تربیت تحلیلگران حرفه‌ای از طریق توسعه ظرفیت اندیشکده‌های متخصص مسائل هویتی و در قالب یک سیستم متعامل با تمامی بخش‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با مسائل هویتی در ایران است. نظام حل مسأله در این حوزه توسط دولت‌ها با آسیب‌ها و ناکارآمدی و ضعف اثربخشی همراه است. نظام بوروکراسی کشور توانایی حل مسائل هویتی و اجرای تصمیمات و راهبردهای مصوب خود را بدون ظرفیت‌سازی لازم در اندیشکده‌های تخصصی ندارد؛ زیرا حل مسائل هویتی از ویژگی‌های، پیچیدگی؛ درهم‌تنیدگی و ضرورت ثبات و استمرار سیاست‌گذاری‌های بلند و آینده‌نگر چند رشته‌ای برخوردار است و لذا نیازمند توسعه ظرفیت اندیشکده‌ها در ایجاد یک سیستم پاسخگو و متناسب با ویژگی‌های یاد شده در حل مسائل هویتی کشور و در قالب الگوی راهبردی حل مسائل است؛ این الگو مشتمل بر نظام مسأله‌شناسی، توصیف و تبیین مسأله، ارائه گزینه‌ها، انتخاب گزینه مرجح و کنترل و ارزیابی و ارائه بازخوردهای مستمر و انجام اصلاحات و تکمیل خودکار و پیوسته تصمیمات و اقدامات استوار است.



یادداشت‌ها

- ۱- cognition Warfare: بنابر اطلاعات موجود ایران در معرض حجیم‌ترین جنگ ادراکی توسط سازمان‌ها و مؤسسات امریکایی و بیش از صد شبکه ماهواره‌ای فعال در فضای وب و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای است.
- ۲- group thinking syndrome پدیده‌ای روان‌شناختی در حوزه آسیب‌های نظام تصمیم‌گیری و دانش مدیریت است که طی آن بجای گزینش افراد شایسته در نظام تصمیم‌گیری افراد وفادار و دارای همبستگی با نظام قدرت در یک جمع تصمیمات غیرمنطقی و ناکارآمد می‌گیرند که ناشی از وفاداری به گروه و عدم نگاه جامع و همه‌جانبه به توصیف چرایی و راه‌های خلاقانه حل مسأله است.
- ۳- چنانچه گزارش‌های مختلف راهبرد نگاری اندیشکده‌های مطالعاتی معظم امریکایی را از منظر روش‌شناسی مورد مطالعه قرار دهیم ملاحظه می‌شود که همواره یک بخش از گزارش با ارائه گزارش پیش‌فرض وضعیت در ده سال آینده مبتنی بر آینده‌پژوهی استوار است.
- ۴- خلق آینده یا ترسیم آینده (Future creation or Future shaping) یک رویکرد راهبردی در دانش آینده‌پژوهی است که مبتنی بر این نظر صاحب‌نظران این رشته از دانش است که آینده قابل پیش‌بینی نیست اما قابل ساختن و یا ترسیم نمودن است. در فرآیند خلق آینده شما، با آرمان‌ها و هدف‌هایتان که لزوماً ادامه روند خطی گذشته نیست اما در قالبی واقع‌نگر و غیرروایی با تفکر راهبردی مواردی را مشخص می‌کنید که شما را به نقطه دلخواه و نه رؤیایی می‌رساند.
- ۵- مدیریت فرهنگی به معنای اعم شامل مدیریت بازرگانی و امثال آن است اما در حوزه مسائل فرهنگی درحالی‌که در معنای اخص به مفهوم مدیریت کارکردهای فرهنگ نظیر مدیریت اطلاع‌رسانی، تبلیغ، ترویج و آموزش و سایر مقولات فرهنگی می‌پردازد که مقولات برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل امور فرهنگی برای نیل اهداف مطلوب است. (قطبی‌جشوقانی، محمد، ۱۳۹۳: ۲۷)
- ۶- نگرش سیستمی در مقابل نگرش تجزیه‌نگر قرارداد که بر خواسته از اندیشه فلاسفه یونان باستان و تا قرن هفدهم پارادایم غالب بر تفکر و تحلیل مسائل بوده است و رفتار پدیده‌ها را در قالب رفتار اجزا مطالعه می‌کند و نه حاصل برآیند و اثرات متقابل اجزا بر یکدیگر که نگرش کل‌نگر یا سیستمی گفته می‌شود. این، نگاه ارگانیسمی به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی است که در مسیر پی بردن به چگونگی بروز رفتارها، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اجزا بر یکدیگر بررسی می‌شود و رفتار کل پدیده موردنظر حاصل جمع رفتار اجزا نیست بلکه حاصل تأثیر آنها بر یکدیگر به کلامی برآیند تأثیر تمامی نیروهای درون سیستم است؛ علاوه بر این سیستم و اجزا و عوامل درونی آن، نیروهایی نیز از خارج تأثیر می‌گذارند. که در حاصل کار تأثیر دارند (مختاری، قاسم، ۱۳۸۷: ۹۴).



منابع

- اشرف‌نظری، علی؛ سازمند، بهاره (۱۳۹۴)؛ «مدل‌ها و الگوهای مدیریت تنوعات هویتی و قومی: ارائه راهکارهایی برای ایران»، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۱، ش ۱، بهار ۱۳۹۴، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۱۰۷-۱۲۹.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ مهدیان، حسین (۱۳۹۳)؛ «شکاف‌های قومی مذهبی مؤثر بر امنیت ملی ایران»، *نشریه جغرافیا*، دوره ۱۲، ش ۴۱، تهران: انجمن جغرافیایی ایران، صص ۲۹۷-۳۱۶.
- پارسونز، واین (۱۳۸۵)؛ *مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۳۲-۷۵.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۵، تهران: صص ۱۹۳-۲۲۸.
- حقیقی، علی‌محمد (۱۳۹۴)؛ *شکاف‌های اجتماعی و توسعه سیاسی در ایران معاصر*، تهران: نشر بین‌الحریمین، صص ۴۵-۶۴.
- قطبی جشقانی، محمد (۱۳۹۳)؛ *الگوی مدیریت فرهنگی*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، صص ۱-۱۷.
- کریمی، علی؛ قاسمی‌طوسی، سمیه (۱۳۹۳)؛ «سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت‌سازی ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۱۵، ش ۲(۵۸)، صص ۲۵-۴۸.
- مختاری، قاسم (۱۳۸۷)؛ *مقدمه‌ای بر تفکر سیستمی*، ویرایش پنجم، دانشگاه قم: صص ۲۷-۶۴.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۴)؛ *اصول سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات سمت، صص ۲۵-۷۸.
- هریس، ریچارد (۱۳۸۹)؛ *هنر برنامه‌ریزی کوانتومی*، ترجمه بینش و مهذب، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، صص ۱۲-۷۳.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)؛ «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۸، زمستان، صص ۱۳-۴۲.
- Burton, G (2000); *Talking t.v, Introduction to the study of virtual Society* , London:Arnold.
- <https://iranthinktanks.com/the-share-of-think-tanks-in-the-budget-is-1400>
- https://repository.upenn.edu/think_tanks/
- James,G McGann (2012); *Think thanks Index Report*, University of Pennsylvania.
- Ramadier, G. (2004); *Transdisciplinarity and its challenges: the case of urban studies* – Futures, Elsevier, Futures; 36: 2004.
- Undp. <https://www.undp.org/content/undp/en/home.html>.
- Gharajedaghi, (2011); *System thinking; managing chaos and complexity*, 3th.ed.

